

آنچه در کربلا گذشت

(نَفْسُ الْمَهْمُومِ)

بانضمام قیام مختار

تألیف: مرحوم حاج شیخ عباس قمی

ترجمه: مرحوم آیت الله میرزا ابوالحسن شعرانی (ره)

سرشناسه:	قمی، عباس، ۱۲۵۴-۱۳۱۹
عنوان قراردادی:	نفس المهموم فی مصیبه سیدنا الحسین المظلوم. فارسی
عنوان و نام پدیدآور:	آنچه در کربلا گذشت؛ ترجمه کتاب نفس المهموم / تألیف: عباس قمی؛ ترجمه: ابوالحسن شعرانی
مشخصات نشر:	تهران: پر، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری:	ص ۵۱۲
شابک:	978-964-8007-68-8
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا.
موضوع:	حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق.
موضوع:	واقعه کربلا، ۶۱ ق.
رده بندی کنگره:	BP ۱۳۹۲۵/۴۱ ۱۳۷۰۴۱ ن ق /
رده بندی دیویی:	۹۵۳۴/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی:	۳۳۹۸۳۵۷

انتشارات پر

- نام کتاب: آنچه در کربلا گذشت!؟
- نویسنده: مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره)
- مترجم: مرحوم آیت الله میرزا ابوالحسن شعرانی (ره)
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳
- تیراژ: ۱۰۰۰
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۰۷-۶۸-۸ ISBN: 978-964-8007-68-8

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳
تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰

فهرست

مقدمه مترجم.....	۷
باب اول: در مناقب حسین <small>علیه السلام</small> و ثواب گریستن بر آن حضرت	۱۵
فصل اول - در مختصری از مناقب آن حضرت.....	۱۷
شجاعت امام حسین <small>علیه السلام</small>	۱۷
علم امام حسین <small>علیه السلام</small>	۱۹
کرم و جود امام حسین <small>علیه السلام</small>	۱۹
محبت پیغمبر خدا نسبت به امام حسین <small>علیه السلام</small>	۲۱
فصل دوم - در ثواب گریستن بر مصیبت حسین <small>علیه السلام</small>	۲۳
باب دوم: در ذکر وقایع پس از بیعت مردم با یزید بن معاویه	۴۳
در توجه حسین <small>علیه السلام</small> به مکه و نامه نوشتن مردم کوفه برای او.....	۵۷
مقتل رشید هجرى رحمة الله عليه.....	۹۲
کشته شدن حجر بن عدی و عمرو بن الحقیق.....	۹۵
شرح حال عمرو بن حمق.....	۱۰۵
خلاصه شرح حال کمیل بن زیاد نخعی.....	۱۱۰
شهادت دو فرزند مسلم بن عقیل.....	۱۱۱
در توجه حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small> از مکه به عراق.....	۱۱۷
در ذکر دیدار خُرّ بن یزید ریاحی حضرت سیدالشهداء <small>علیه السلام</small> را.....	۱۳۵
در نزول حضرت سیدالشهداء <small>علیه السلام</small> به زمین کربلا.....	۱۵۰
در ورود شمر به کربلا و وقایع تاسوعا.....	۱۶۲
در ذکر وقایع شب عاشورا.....	۱۶۶
در ذکر وقایع عاشورا و احتجاج امام <small>علیه السلام</small> بر اهل کوفه.....	۱۷۳

- در چگونگی جنگ اصحاب امام حسین علیه السلام ۱۸۵
- پیوستن حُرّ بن یزید به امام علیه السلام ۱۸۷
- مقتل بریر بن خُصیر ۱۹۲
- مقتل عمرو بن قَرظَة انصاری ۱۹۴
- مقتل مُسلم بن عَوَسَجَه ۱۹۷
- یادآوری ابی ثمامة صائدی نماز را ۲۰۱
- مقتل محمد بن ابی طالب موسوی ۲۰۱
- کشته شدن حُرّ بن یزید ۲۰۳
- شهادت زهیر بن قین ۲۰۵
- شهادت نافع بن هلال ۲۰۵
- مقتل عبدالله غفاری و عبدالرحمن غفاری ۲۰۶
- کشته شدن حنظلة بن اسعد الشبّامی ۲۰۷
- کشته شدن شوذّب و عابس ۲۰۸
- کشته شدن ابی الشعثاء کندی ۲۰۹
- شهادت جمعی از اصحاب حسین علیه السلام ۲۱۰
- شوید بن عمرو بن ابی المَطاع ۲۱۰
- به میدان رفتن اهل بیت امام حسین علیه السلام ۲۲۶
- عبدالله بن مسلم بن عقیل ۲۳۵
- عَوْن بن عبدالله بن جعفر ۲۳۷
- مُحمّد بن عبدالله بن جعفر ۲۳۷
- عبدالرحمن بن عقیل ۲۳۸
- جعفر بن عقیل ۲۳۸
- عبدالله اکبر ابن عقیل ۲۳۹
- محمد بن مسلم بن عقیل ۲۳۹
- محمد بن ابی سعید بن عقیل ۲۳۹
- شهادت قاسم بن الحسن بن علی علیه السلام ۲۴۱

۲۴۵ ابوبکر بن حسن بن علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>
۲۴۵ شهادت اولاد امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۲۴۶ محمد اصغر بن علی <small>علیه السلام</small>
۲۴۶ ابوبکر بن علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>
۲۴۸ شهادت مولانا العباس بن امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۲۶۳ در شهادت ابی عبدالله الحسین <small>علیه السلام</small>
۲۶۶ در شهادت طفل شیرخوار

باب سوم: در وقایع پس از شهادت..... ۲۸۵

۲۹۰ در تاراج کردن اثاث و شیون کردن حرم محترم
۲۹۷ در ذکر وقایع عصر عاشورا.....
۳۰۱ روانه کردن عمر سعد اهل بیت را از کربلا به کوفه
۳۰۴ در دفن مولانا الحسین <small>علیه السلام</small>
۳۰۹ ورود اهل بیت به کوفه
۳۱۲ احتجاج علی بن الحسین <small>علیه السلام</small>
۳۱۹ در ورود اهل بیت به مجلس عیدالله زیاد
۳۲۶ کشته شدن عبدالله بن عقیف (ره).....
۳۳۰ فرستادن ابن زیاد عبدالملک سلمی را به مدینه.....
۳۳۴ فرستادن عیدالله زیاد سرهای طاهره را به شام
۳۳۹ در ذکر چند واقعه در راه شام.....
۳۴۲ ورود اهل بیت به شام.....
۳۷۴ فرستادن یزید حرم محترم حضرت را به مدینه.....

باب چهارم: پس از شهادت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام..... ۳۸۹

۳۹۱ فصل اول - در گریه آسمان و زمین
۴۰۳ فصل دوم - در ناله و زاری کردن فرشتگان

- در شیون کردن جنیان بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام ۴۰۵
 فصل فی ذکر بعض ما قیل من المرائی فیہ ۴۱۲

باب پنجم: در ذکر فرزندان حسین علیه السلام و زوجات آن حضرت ۴۲۷

- فصل اول - در ذکر فرزندان و بعض زوجات آن حضرت علیه السلام ۴۲۹
 فصل دوم - در فضیلت زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام ۴۳۴
 فصل سوم - در ستم خلفاء بر قبر شریف آن حضرت ۴۴۵

خاتمه: در شرح حال توأیین و خروج مختار ۴۵۱

- ذکر آمدن مختار به کوفه ۴۵۸
 داستان بیرون رفتن سلیمان بن صرد و توأیین به جنگ اهل شام ۴۶۵
 خروج مختار در کوفه ۴۷۴
 داستان مختار ۴۷۷
 کشتن مختار کشتندگان حسین علیه السلام را ۴۸۹
 کشتن عمر سعد و چند تن دیگر ۵۰۰
 در ذکر رفتن ابراهیم اشتر به قتال ابن زیاد ۵۰۴
 کشته شدن ابن زیاد ۵۰۵
 ترجمه مؤلف ۵۱۱

مقدمه مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم

حَمْدًا لَكَ مُسْتَزِيدًا مِنْ نِعَمِكَ، وَ مُسْتَرْفِدًا مِنْ كَرَمِكَ، مُسْتَرْشِدًا بِهَدَايَتِكَ، وَ مُسْتَنْجِدًا بِكَ عَلَى طَاعَتِكَ، وَالصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِكَ هَادِي الْأُمَّةِ وَ كَاشِفِ الْعَمَةِ، الْمَبْعُوثِ بِالْحُجَّةِ الْقَاهِرَةِ عَلَى الْمَحْجَةِ الظَّاهِرَةِ، وَ آلِهِ الْعُرَى وَ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرَةِ، خُصُوصًا عَلَى سَيِّدِنَا وَ مَوْلَانَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، لَأَفَرِّقَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

اما بعد چنین گوید این عبد فانی ابوالحسن بن محمد بن غلامحسین بن ابی الحسن المدعو بالشعرانی که چون عهد شباب به تحصیل علوم و حفظ اصطلاحات و رسوم بگذشت و اقتداءً بأسلافی الصالحین من عهد صاحب منہج الصادقین از هر علمی بهره بگرفتم و از هر خرمی خوشه برداشتم. گاهی به مطالعه کتب ادب از عجم و عرب و زمانی به دراست اشارات و اسفار و زمانی به تتبع تفاسیر و اخبار، وقتی به تفسیر و تحشیه کتب فقه و اصول و گاهی به تعمق در مسائل ریاضی و معقول تا آن عهد به سر آمد:

لَقَدْ طُفْتُ فِي تِلْكَ الْمَعَاهِدِ كُلِّهَا وَ سَرَّحْتُ طَرْفِي بَيْنَ تِلْكَ الْمَعَالِمِ

سالیان دراز شب بیدار و روز در تکرار، همیشه ملازم دفاتر و کراریس و پیوسته مرافق اقلام و قراطیس، ناگهان سروش غیب در گوش این ندا داد که علم برای معرفت است و معرفت بذر عمل و طاعت، و طاعت بی اخلاص نشود و این همه میسر نگردد مگر به توفیق خدا و توسل به اولیا، مشغولی تا چند:

عِلْمٌ چندانکه بیشتر خوانی چُونِ عَمَلٍ در تو نیست نادانی

شتاب باید کرد و معاد را زادی فراهم ساخت، زود برخیز که آفتاب برآمد و کاروان رفت، تا بقیته باقی است و نیرو تمام از دست نشده توسلی جوی و خدمتی تقدیم کن. پس کتاب نَفْسُ الْمَهْمُومِ تَأْلِيفِ الْعَالِمِ النِّحْرِيِّ وَ الْمُحَدِّثِ الْخَبِيرِ مَفْخَرِ عَصْرِنَا وَ قُدْوَةِ دَهْرِنَا الْحَاجِّ شَيْخِ عَبَّاسِ الْقُمِيِّ - قُدْسِ سِرَّةِ الْعَزِيزِ - را دیدم در مقتل سیدنا و مولانا ابی عبدالله الحسین عليه السلام رَزَقَنَا اللَّهُ

شَفَاعَتَهُ کتابی جامع و مُوجز و مشتمل بر اکثر روایات صحیحه و منقولات تواریخ معتبره از عامه و خاصه چنانکه مانند آن تا کنون نوشته نشده است و گویا در حق او گفته‌اند: «كَمْ تَرَكَ الْأَوَّلُ لِلْآخِرِ»؛ اما به زبان عرب است و همه کس از آن بهره نگیرد، گفتیم همان کتاب را به فارسی ساده نقل کنیم چنانچه در عبارت پارسی معنی هر کلمه از کلمات عربی گنجانیده شود و سیلاست و فصاحت در زبان پارسی محفوظ ماند، اگر چه جمع این دو امر بسی دشوار است و غالباً مقاتل پارسی، عبارات عربی را به دلخواه خود تلخیص و تفسیر کرده‌اند و به ترجمه کلمه به کلمه نپرداخته‌اند چنانکه خواننده را به اصل عربی نیاز است تا حق معنی مقصود را دریابد، و ما را عویصه دیگر در پیش است که اگر سخن جزل و صحیح به کار بریم غیر مانوس باشد که مردم زمان ما با لغات غلط و عبارات بازاری عامیانه و سیاق مُبتذل که از خواص انشای این عصر است خوی گرفته‌اند اگر به زبان آنان سخن گوئیم و به کلمات مزدوله قناعت کنیم هم تخلف از سیرت سلف است و هم ترک ادب نسبت به اخبار رسول و اهل بیت طاهرین که فرموده‌اند: «اعرّبوا حدیثنا فإنا قوم فصحاء»؛ و در میان این دو طریق راهی یافتن هم دشوارتر است، با این حال خواننده کتاب با کتب صحیحه مانوس است و مانند تفسیر منهج و ناسخ و جلاء‌العیون و کتب دیگر مرحوم مجلسی - رحمه الله - و تفسیر شیخ ابوالفتح رازی را مطالعه کرده و مانند آنان که محضاً با کتب عصری مانوس‌اند از شنیدن لغت صحیح منزجر نمی‌گردد. و آن را دَمَعُ السُّجُومِ فِی تَرْجَمَةِ نَفْسِ الْمَهْمُومِ نام نهادم و گاه بعضی فواید و قصص که خواننده را به کار آید در ذیل صفحه یا در متن بین‌الیهالین افزودم.

و علی کل حال اگر نقصی در این یافت شود تقاضای عفو و اصلاح از خوانندگان عزیز است، و من ادعا نمی‌کنم در مقصد خویش به کمال رسیده‌ام لیکن غایت جهد به کار برده‌ام.

«فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنْ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِي وَ اللَّهُ الْمُسَدِّدُ وَ الْمُؤَقِّقُ».

اینک شروع در مقصود می‌کنیم بعون الله تعالی.

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام به ابان بن تغلب فرمود:
آه کشیدن کسی که برای مظلومیت ما غمگین باشد تسبیح است، و اندوه وی برای ما عبادت است و پنهان داشتن سر ما جهاد در راه خداست.
آنگاه فرمود:
باید این حدیث به آب طلا نوشته شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

مؤلف کتاب پس از حمد و ستایش پروردگار و درود بر پیغمبر مختار و آل اطهار و ذکر سبب تألیف این کتاب، مدارک و مأخذ خود را که مطالب این کتاب از آنها منقول است یاد کرده است و گوید: این را از کتب معتبره فراهم کردم که بر آنها اعتماد باید کرد و بدانها استناد باید جست؛ مانند/ارشاد تألیف شیخ ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به «مفید» که در سال ۴۱۳ در بغداد درگذشت. و کتاب *ملهُوف عَلَى قَتْلِ الطُّفُوف* سید رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاوس متوفی به بغداد در سال ۶۶۴. و کتاب *التاریخ* لمحمد بن جریر طبری متوفی به بغداد سال ۳۱۰. و *تاریخ کامل مورخ* نسابه حافظ عزالدین ابی الحسن علی بن محمد معروف به «ابن اثیر جزری» متوفی به موصل سال ۶۳۰. و *مقاتل الطالبین* مورخ ادیب علی بن الحسین اموی معروف به «ابی الفرج اصفهانی» متوفی به بغداد ۳۵۶. و *مروج الذهب و معادن الجواهر* از ابی الحسن علی بن حسین بن علی مسعودی معاصر با ابی الفرج. و *تذکره خواص الامّة فی معرفة الائمة* از ابی المظفر یوسف بن قزواغلی بغدادی معروف به سبط ابن جوزی و متوفی به دمشق سال ۶۵۴ که در جبل قاسیون مدفون است. و *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول* لکمال الدین محمد بن طلحة شافعی. و *الفصول المهمّة فی معرفة الائمة* لنورالدین علی بن محمد مکی معروف به «ابن صباغ مالکی» متوفی به سال ۸۵۵. و *کشف الغمّة فی معرفة الائمة* از بهاءالدین ابی الحسن علی بن عیسی اربلی امامی که در سال ۶۸۷ از تألیف آن فراغت یافت. و *العقد القرید* لشهاب الدین ابی عمرو احمد بن محمد قرطبی اندلسی مالکی معروف به «ابن عبدربه» متوفی در سال ۳۲۸. و کتاب *الاحتجاج علی اهل اللجاج* از احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی از مشایخ ابن شهر آشوب. و کتاب *المناقب* لرشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب سروری مازندرانی متوفی به

حلب در سال ۵۸۸ و مدفون در جبل جوشن نزد مقام، معروف به مشهدالسقط، و روضه الواعظین از ابی علی محمد بن حسن بن علی فارسی معروف به فتال نیشابوری از مشایخ ابن شهر آشوب. و مثیر/احزان لنجم‌الدین جعفر بن محمد حلّی معروف به «ابن نما» از مشایخ علامه حلّی - رحمه‌الله و کامل بهایی فی‌السقیفه از عمادالدین حسن بن علی بن محمد طبری، معاصر محقق و علامه و این کتاب را برای بهاء‌الدین محمد بن شمس‌الدین جوینی معروف به صاحب دیوان تألیف کرد و به سال ۷۶۵ از تألیف آن فارغ شد. و روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء از محمد بن خاوندشاه متوفی به سال ۹۰۳. و تسلیة المجالس لمحمد بن ابی طالب حسینی حائری. و غیر اینها از کتب مقاتل. و از این کتاب اخیر به توسط عاشر بحار نقل می‌کنم.

و از مقتل هشام بن سائب کلبی به توسط تذکره سبط و تاریخ طبری و از مقتل ابی مخنف به توسط طبری.

و از سید ابن طاوس تعبیر می‌کنم به سید و از ابن اثیر به جزری و از محمد بن جریر طبری به طبری و از ابی مخنف به ازدی تا مردم گمان نبرند از این مقتل معروف به ابی مخنف که با عاشر بحار به طبع رسیده است آن را نقل کرده‌ام؛ چون نزد من ثابت و محقق گردیده است که این مقتل از آن ابی‌مخنف معروف و یا موزخ معتبر دیگری نیست و چیزی که در آن مقتل یافت شود و دیگری نقل نکرده باشد اعتماد را نشاید.

اما ابومخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف ازدی غامدی از بزرگان اصحاب خبر بود و کتب بسیار تألیف کرد و در سیر از جمله کتاب مقتل الحسین که علما از آنها بسیار نقل کنند و اکثر بلکه اجل منقولات تاریخ طبری در مقتل از ابی‌مخنف گرفته شده است و هر کس این مقتل معروف را با آنچه طبری نقل کرده است مقابله و تأمل کند داند که این مقتل از وی نیست.

و من این کتاب را مرتب کردم بر چند باب و یک خاتمه. و مقدمه‌ای پیش از ابواب کتاب آوردم و آن را نامیدم نفس‌المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم - علیه صلوات‌الله‌الملک الحیّ القيوم - و اسئل الله ان یوقنی لاتمامه و الفوز بسعادة اختتامه و ماتوفیقی الالبالله علیه توکلت و الیه انیب.

مقدمه در ولادت مولانا الحسین علیه السلام

بدان که علمای حدیث و ارباب تاریخ را از عامه و خاصه خلاف است در روز و ماه و سال ولادت حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه السلام؛ بعضی گویند: سیم شعبان. و بعضی گویند: پنجم آن. و بعضی پنجم جمادی‌الاولی سال چهارم هجرت و گروهی گفتند: در آخر ربیع‌الاول سال سیم. و این قول را شیخ ابوجعفر طوسی - رحمه‌الله - در تهذیب و شیخ شهید در دروس اختیار کردند

موافق با روایتی که ثقة‌الاسلام کلینی - عطر الله مرقده - روایت کرده است از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام که بین امام حسن و امام حسین علیهما السلام یک طهر فاصله بود و میان ولادت آن دو امام شش ماه و ده روز بود.

مؤلف کتاب گوید: مراد آن حضرت به طهر، اقل طهر است که ده روز است. و ولادت حضرت حسن علیه السلام در پانزدهم رمضان سال بدر، یعنی سال دوم هجرت بود. و هم در روایت آمده است که: «میان حسن و حسین علیهما السلام فقط یک طهر بود و مدت حمل حضرت حسین علیه السلام شش ماه».

و در مناقب ابن شهر آشوب از کتاب *انوار* نقل کرده است که: خداوند تبارک و تعالی پیغمبر اکرم را تهنیت گفت به حمل و ولادت حضرت حسین علیه السلام و او را تعزیت گفت به قتل وی. و حضرت فاطمه علیها السلام این را بدانست و بر او ناگوار آمد و آیه فرود آمد:

«حَمَلْتَهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعْتَهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»^۱.

حمل زنان نه ماه است و هیچ فرزندی شش ماهه نژاد غیر از عیسی و حسین علیهما السلام. مؤلف گوید: احتمال قوی می‌دهم که اصل روایت یحیی و حسین بوده است؛ چون حضرت یحیی و حضرت حسین علیهما السلام در بسیاری از چیزها به یکدیگر شباهت داشتند از جمله در مدت حمل.

و در خیر است که: «مدت حمل یحیی شش ماه بود.» و اما مدت حمل عیسی علیه السلام مطابق روایات بسیار نه ساعت بود و هر ساعتی ماهی و به اعتبار انساب است.

صدوق به سند خود از صفیه بنت عبدالمطلب - رض - روایت کرده است که: «چون حضرت امام حسین از مادر متولد شد من پرستار مادر او بودم، پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمه! فرزند مرا بیاور نزد من. گفتیم: یا رسول الله او را هنوز پاکیزه نکرده‌ایم. فرمود: ای عمه مگر تو او را پاک می‌گردانی، خداوند او را پاک و پاکیزه کرده است».

و در روایت دیگر است که: «او را به رسول خدا داد و حضرت زبان خویش را در دهان او نهاد و حضرت حسین علیه السلام زبان رسول خدای را می‌مکید، صفیه گفت: گمان نمی‌کنم که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را غذا داد مگر با شیر و غسل. و گفت: بول کرد. پس رسول صلی الله علیه و آله میان دو چشم او ببوسید و او را به من داد در حالتی که می‌گریست و می‌گفت: ای پسرک من، خدای لعنت کند قومی که تو را می‌کشند؛ و این را سه بار فرمود. صفیه گفت: گفتیم: پدر و مادرم فدای تو، او را که می‌کشد؟ فرمود: گروه ستمکار از بنی‌امیه لعنهم الله».

در روایت است که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در گوش راست او اذان گفت و در گوش چپ اقامه گفت».

و از حضرت علی بن‌الحسین است که: «رسول خدا ﷺ در گوش حضرت حسین ﷺ اذان گفت آن روز که متولد شد».

و در روایت دیگری است که: «در روز هفتم گوسفندی املح یعنی سپید به سیاه آمیخته برای او عقیقه کرد و یک ران آن را با دیناری به قابله داد. آنگاه سر او بتراشید و هم‌سنگ آن سیم تصدق کرد و سر او را بخلوق که عطری است، معطر ساخت».

و ثقة‌الاسلام کلینی روایت کرده است در ضمن حدیثی که: «حضرت حسین ﷺ از حضرت فاطمه (س) و از هیچ زنی شیر نخورد و او را نزد نبی اکرم ﷺ می‌آوردند ابهام در دهان او می‌گذاشت و می‌مکید به اندازه‌ای که دو روز یا سه روز او را بس بود پس گوشت حسین ﷺ از گوشت و خون رسول خدا ﷺ روییده شد».

صدوق - عطر الله مرقده - از حضرت صادق ﷺ روایت کرده است که می‌گفت: «حسین بن علی ﷺ چون متولد شد خدای تعالی جبرئیل را فرمود: با هزار فرشته فرود آید به تهنیت رسول خدا ﷺ از جانب خدا و از جانب خود، پس جبرئیل فرود آمد و بر جزیره‌ای در دریا بگذشت. در آنجا ملکی بود «فطرس» نام و از حمله بود، خداوند عالم او را برای انجام امری نامزد فرمود. او کندی کرد در انجام آن پس بال او را بشکست و در آن جزیره انداخت. هفتصد سال عبادت خدا کرد تا حسین بن علی ﷺ متولد شد. آن ملک به جبرئیل گفت: آهنگ کجا داری؟ گفت: خدای تعالی به محمد ﷺ فرزندی بخشیده است مرا فرستاده است به تهنیت او از جانب خدای تعالی و از جانب خودم، گفت: ای جبرئیل! مرا بردار و با خود ببر شاید محمد ﷺ برای من دعا کند».

جبرئیل او را برداشت و چون بر نبی ﷺ وارد شد و تهنیت گفت از طرف خدای تعالی و از طرف خود و حال فطرس بگفت رسول خدا ﷺ فرمود: خود را به این مولود مسح کن و به جای خود باز شو. فطرس خود را به حسین بن علی ﷺ بمالید و برخاست و گفت: «ای رسول خدا امت تو این فرزند را می‌کشند و مکافات این انعام او بر من واجب است پس هیچ کس او را زیارت نکند مگر او را آگاه سازم و هیچ سلام‌کننده سلام نکند بر او مگر آنکه سلام او را به حضرت او برسانم و هیچ کس صلوات نفرستد مگر اینکه صلوات او را تبلیغ کنم؛ این بگفت و بالا رفت».

و در روایت دیگر است که: «به جای خود عروج کرد و می‌گفت: کیست مانند من که آزادشده حسین فرزند علی و فاطمه ﷺ و جد ایشان احمد شدم ﷺ».

شیخ طوسی در مصباح روایت کرده است که: «توقیعی خارج شد به قاسم بن غلاء همدانی وکیل ابی محمد ﷺ که مولانا الحسین بن علی ﷺ روز پنجشنبه سوم شعبان متولد شد، پس آن را روزه بدار و این دعا را بخوان «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ» و در این دعا است: «وَعَادَ فُطْرُسٌ بِمَهْدِهِ فَتَخَنُّ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ».

سید در ملهوف گوید: در آسمانها فرشته‌ای مانند مگر بر نبی ﷺ فرود آمد، هر یک سلام

داده و به حسین علیه السلام تعزیت گفتند و او را خبر دادند به ثوابی که عطا شود به او. و تربت او را عرضه داشتند بر رسول خدا و او می فرمود: «اللَّهُمَّ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَأَقْتُلْ مَنْ قَتَلَهُ وَلَا تَمْتَعَهُ بِمَا طَلَبَهُ»

ابن شهر آشوب در مناقب گوید در حدیث آمده است که: «روزی جبرئیل فرود آمد و فاطمه علیها السلام را یافت خوابیده است و حضرت حسین علیه السلام به عادت اطفال بیتابی می کرد، پس جبرئیل بنشست و او را مشغول کرد از گریه تا مادرش بیدار شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه را از این بیاگاهانید.»

سید بحرانی در مدینه المعجزه روایت می کند از شرحبیل بن ابی عوف که گفت: «چون حسین علیه السلام متولد شد فرشته ای از فرشتگان فردوس اعلی فرود آمد و به دریای اعظم رفت و در اقطار آسمانها و زمین فریاد زد: ای بندگان خدا جامه های حزن بیوشید و اظهار غم و اندوه کنید که جوجۀ محمد صلی الله علیه و آله مذبوح و مظلوم است.»

باب اول

در مناقب حسین علیه السلام و ثواب گریستن
بر آن حضرت و لعن بر کشتگان او و اخباری
که در شهادت او وارد است و در آن دو فصل است.

فصل اول

در مختصری از مناقب آن حضرت

مناقب آن حضرت به قدری ظاهر و مشهور است که هیچ یک از خاصه و جمهور منکر آنها نتوانند شد. چگونه چنین نباشد و حال آنکه مجد و شرف از هر طرف او را فرا گرفته است. از جهت نسب جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و پدرش علی مرتضی علیه السلام، جدّه اش خدیجه کبری، مادر فاطمه زهرا و برادر حضرت مجتبی علیه السلام، عمّ او جعفر طیار و اولادش ائمه اطهار از خاندان هاشم برگزیده اختیار صلی الله علیه و آله.

لَقَدْ ظَهَرَتْ فَلَا تَخْفَى عَلَى أَحَدٍ إِلَّا عَلَى أَكْمَهٍ لَا يُبْصِرُ الْقَمَرَا

در زیارت ناحیه مقدسه در اوصاف شریفه آن جناب فرموده است:

«و فِي الدَّمِيمِ رَضِيَ الشَّيْمِ، ظَاهِرَ الْكَرَمِ، مَتَهَجِدًا فِي الظُّلَمِ، قَوِيمَ الطَّرَائِقِ، كَرِيمَ الْخَلَائِقِ، عَظِيمَ السَّوَابِقِ، شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ الْحَسَبِ، رَفِيعَ الرَّتَبِ كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ، مَحْمُودَ الصَّرَائِبِ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ، حَلِيمَ رَثِيدِ، مُنِيبَ جَوَادِ عَلِيمِ، إِمَامَ شَهِيدِ، أَوَاهُ مُنِيبِ، حَيْبُ مَهْيَبُ كَانَ لِلرَّسُولِ وَوَلَدًا، وَلِلْقُرْآنِ سَنَدًا، وَ لِلْأُمَّةِ عَضُدًا، وَ فِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا، حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَ الْوَعْدِ، نَاصِحًا عَنِ سَبِيلِ الْفُسَاقِ، بَازِلًا لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدًا الرَّاحِلِ عَنْهَا، نَاطِرًا إِلَيْهَا بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا، إِلَى آخِرِ مَاقَالٍ فِيهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ»

و يَا عَجَباً مَنْى أَحَاوِلُ وَصَفَهُ وَ قَدْ فَنَيْتُ فِيهِ الْقَرَاطِيسُ وَالصَّخْفُ
کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنی سرانگشت و صفحه بشماری

شجاعت امام حسین علیه السلام

اما شجاعت آن حضرت چنان بود چون آن حضرت قصد عراق کرد عبيدالله بن زياد لشکرهای بسیار به مقابله وی فرستاد. سی هزار سوار و پیاده پی‌درپی یکدیگر تا او را محاصره کردند و همه جوانب بر او بستند با آن شماره بسیار و سلاح کامل و از او خواستند به حکم ابن زياد فرود آید و با یزید بیعت کند و اگر ابا فرماید مهیای جنگی شود که رگ و تین و حبل و رید را قطع کند و ارواح را به محلّ اعلی رساند و اجساد را بر روی خاک افکند.

او متابعت جدّ و پدر کرد، راضی به ذلت نشد و حمیت را به مردم آموخت و مرگ زیر سایه شمشیر را برگزید پس خود و برادران و اهل بیت او برای محاربه برخاستند و کشته شدن را بر